

بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان علوم تربیتی^۱

محمد مهدی بابائی^۲

چکیده

مساله اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی، یکی از مسائل مهم اقتصادی و اجتماعی کشور است و برای پیش‌بینی برنامه‌های آینده ضروری می‌باشد. این مطالعه، با هدف تعیین وضعیت اشتغال و بیکاری دانش‌آموختگان علوم تربیتی انجام شد. روش تحقیق توصیفی-پیمایشی است. از نظر هدف، این پژوهش کاربردی است. جامعه آماری شامل دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی دانشگاه های پیام‌نور بابل، آزاد اسلامی بابل و مازندران در سال ۱۳۹۶ بود. از بین جامعه آماری تعداد ۱۶۵ نفر از دانش‌آموختگان به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب گردید. داده‌ها با استفاده از آزمون کاسکوئر، تی دو گروهی مستقل، ضریب همبستگی با استفاده از نرم‌افزار SPSS21 تحلیل شد. نتایج نشان داد که، وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان با جنسیت زن و مرد رابطه وجود دارد و بین وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان کارشناسی و کارشناسی ارشد رابطه معنی‌داری وجود دارد. بین وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان با محل سکونت تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بین معدل و وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بین میزان فعالیت‌های پژوهشی با وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

واژگان کلیدی: اشتغال، بیکاری، دانش‌آموختگان علوم تربیتی.

^۱ تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱/۲۴ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۶/۳۰

^۲ دانشجوی دکتری اقتصاد و مدیریت مالی آموزش عالی دانشگاه تهران. ایران. m.zmbm67@gmail.com

مقدمه

به تعبیر قرآن کریم، افق امید بخش حل همه امور با «انصراف صدر» آغاز می‌شود. در گشودگی سینه است که بارهای سنگین و کمرشکن سبک می‌شود و گشایش در عین تنگناها به وجود می‌آید. البته مسئولیت انسان، در همین گشایش‌های همراه با سختی، بیشتر می‌شود. فراغت از کار به معنای پایان وظیفه نیست، بلکه آغاز مسئولیتی دیگر است.

تغییرات بی سابقه و سریع علم و فناوری در قرن بیست و یکم و حرکت در راستای جهانی شدن تمام جنبه های زندگی بشر را تحت تاثیر قرار داده و موجب بروز شرایط ویژه و تغییر نیازهای نظام آموزش جوامع شده است. از آنجا که تغییر و تحول از اصول اساسی و اجتناب-ناپذیر سازمانی است (ایبلی، بابائی، ۱۳۹۷) و بهترین سازمانهای دنیا آن را وظیفه اصلی خود توصیف نموده اند (کارتز، الریچ، گلداسمیت^۱، ۲۰۱۲ و کناپر، کروپلی^۲، ۲۰۰۰ به نقل از ایبلی، بابائی، ۱۳۹۷). بنابراین، سیستم آموزشی تا حصول نتایج، آرمان و اهداف مورد انتظار فاصله بسیاری دارد که این خود، همانند دیگر سازمان‌های سنتی، مستلزم تغییرات سازمانی اساسی و بنیادی است که با برنامه‌ریزی، شناخت و آگاهی همراه باشد (بابائی، میرکمالی، لطفی، ۱۳۹۷). ایران به عنوان کشوری در حال توسعه، نیازمند رشد و توسعه متوازن و هماهنگ است تا در سایه آن بتواند زندگی بهتر و با رفاه و آرامش بیشتر را برای اعضای خود فراهم آورد. به این منظور الزامی است تا نظام‌ها و نهادهای مختلف اجتماعی در راه نیل به این هدف از تعامل، هماهنگی و ارتباطی پویا برخوردار باشند و با ارتباطات متقابل خود راه رسیدن به رشد و توسعه متوازن و پایدار را هموار سازند. آموزش عالی از نهادهای اصلی علمی- فرهنگی هر کشوری است که انجام پژوهش‌های بنیادی، علمی و کاربردی به منظور پیشرفت گسترش علم و دانش در جامعه؛ تربیت و تامین نیروی انسانی ماهر، متخصص و کارآمد مورد نیاز بخش‌های مختلف جامعه؛ تسهیل تحقق اهداف اجتماعی و فرهنگی و اعتلای سطح فرهنگی جامعه (مدهوشی و نیازی، ۱۳۸۹) از اهداف و ماموریت‌های آن است که باید با تلاشی همه جانبه راه ایجاد و رشد متخصصان علمی جامعه را در جهت توسعه پایدار از خود هموار سازد. متخصصانی که بار اصلی توسعه و پیشرفت هر کشوری از جمله ایران امروز را بر دوش کشند. از طرف دیگر

¹ Carter, Ulrich , Goldsmith

² Knapper & Cropley

هر کشوری نیازمند تولید و بازتولید کالاها، تجهیزات و وسایل مختلفی است و تجربه جهانی ثابت کرده است که هر کشوری اگر بخواهد به رفاه و امنیت دسترسی پیدا کند باید از بنیه و پشتوانه بالای تولیدی برخوردار باشد و این پشتوانه تولیدی نیازمند صنایعی کارآمد و پیشرفته است، صنایعی که باعث باروری اقتصاد آن جامعه خواهند شد (فیوضات و تسلیمی تهرانی، ۱۳۸۶: ۲۶۸). حمایت دولت نیز، در جهت فراهم کردن زیرساختها، حمایت حقوقی و مالی و هموار کردن قوانین و... امری اجتناب‌ناپذیر است و در نهایت اینکه همه این تلاش‌ها، همکاری و تعامل، باید در راستای پیشرفت همه‌جانبه و توسعه پایدار جامعه صورت گیرند و زمینه را برای رسیدن کشور به اهداف همه‌جانبه خود فراهم سازند. در این میان آنچه عقل و منطق برآن حکم می‌کند و تجربه کشورهای پیشرفته صنعتی نیز موید آن است حاکی از لزوم و ضرورت تعامل و ارتباط مستمر و محکم میان این چهار نهاد مهم اجتماعی در هر کشوری است. به نظر می‌رسد ایران و هر کشوری دیگر در صورتی می‌تواند به سوی توسعه پایدار و پیشرفت صنعتی گام بردارد که از تعامل و ارتباط این چهار نهاد مهم اجتماعی غافل نباشد. صنایع کشور در صورتی به رشد و توسعه واقعی دست خواهند یافت که از طرح‌های تخصصی و مبتکرانه دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهها و مراکز و موسسات آموزش عالی و صاحبان اندیشه به طور جدی استفاده کنند و از دانشگاه‌ها در راه تولید صنعتی خود یاری گیرند و دانشگاه‌ها نیز وقتی در راه توسعه و پویایی قرار می‌گیرند که دانش و تخصص خود را در تولیدات صنعتی متجلی سازند و در راه تحقق و پژوهش برای پاسخگویی به نیازهای صنایع و نیازهای جامعه گام‌هایی جدی بردارند، اساساً دانشگاهها جایگاه تولید علم و دانش‌اند و این علم باید در جایی به مصرف رسد و صنایع و جامعه از ضروری‌ترین و مهم‌ترین نهادهایی هستند که نیازمند استفاده از این علم و دانش هستند و البته حمایت دولت نیز در راستای تحقق این امر اجتناب‌ناپذیر و قابل‌تامل است.

از طرفی، بروندهای دانشگاه [نیروی انسانی متخصص، نوآوری علمی و گسترش دامنه علم و دانش] بخشی مهم از دورنادهای صنعت محسوب می‌شوند (جعفرنژاد و همکاران، ۱۳۸۴: ۴۲). لذا تولید و توزیع مناسب فناوری مرهون توسعه مراکز دانشگاهی و ارتباط مناسب آن با صنعت در کاربردی کردن نتایج تحقیقات انجام شده و حمایت دولت از طرح‌های پژوهشی متناسب با نیازهای بخش‌ها و زیربخش‌های مختلف جامعه در جهت حل مسائل و مشکلات

آن است. تجربه کشورهای توسعه یافته حاکی از آن است که عدم همکاری مناسب دانشگاه و صنعت، و حمایت دولت از ایندو نهاد، توسعه یافتگی جامعه را غیر ممکن یا دست کم دستیابی به آن را بسیار دشوار می‌کند (اچاک و مهدیانی، ۱۳۸۴: ۲۴۰). بر این مبنای آموزش عالی یکی از مهمترین دستگاه‌های فکری جامعه امروزی (والیما و هافمن^۱، ۲۰۰۸) و دانشگاه از آشناترین نهادهای تعریف شده اجتماعی برای تولید دانش و پرورش نیروی انسانی ماهر است (جان^۲، ۲۰۱۱). از وظایف مهم مجموعه‌ی آموزش عالی، پرورش نیروی انسانی کارآمد در بخشهای گوناگون و مورد نیاز جامعه است و هدف اصلی و نهایی دانشگاه‌ها تولید دانش، تامین نیازهای جامعه، تربیت متخصصان و ارائه راهکار برای حل معضلات اجتماعی در همه زمینه‌هاست (ایلی، بابائی‌منقاری، ۱۳۹۷). یکی از ابعاد مهم توسعه فراهم نمودن شرایط مناسب برای مناسبات بازار کار و فراهم نمودن شرایط لازم برای عرضه و تقاضای نیروی کار است. یکی از مهمترین موضوعات امروز اقتصاد ما مسئله اشتغال و بیکاری است و یکی از چالش‌های جدی پیش روی ما وضعیت نگران‌کننده بیکاری بویژه در بین فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی است. توجه به این موضوع طی دو دهه گذشته همواره از دغدغه‌های تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان بوده است. به نحوی که تلاش‌ها و سرمایه‌گذاری فراوانی برای افزایش نرخ اشتغال و کاهش نرخ بیکاری بکار گرفته شده است (نوروزی‌فیروز، اکبری، طیفوری، ۱۳۹۲). موضوع اشتغال و دستیابی افراد به شغل مورد نظر از اساسی‌ترین نیازهای یک جامعه محسوب می‌شود. یکی از اهداف کلان توسعه در کشورهای مختلف، کاهش بیکاری و توسعه فعالیت‌های شغلی است. بیکاری یک پدیده مخرب اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که رفع آن همواره از دغدغه‌های اساسی برنامه‌ریزان بوده است (صدیایی، بهاری، زارعی، ۱۳۹۰). امروزه بیکاری در بسیاری از کشورها بعنوان یک مشکل اساسی مطرح است به طوری که می‌توان گفت، ثبات یا زوال برخی دولت‌ها در گرو حل بحران بیکاری است (میرغفوری، رضایی، ۱۳۹۲). بیکاری، پدیده‌ای است که در سالهای اخیر ابعاد تازه‌ای به خود گرفته است. سالهای نظر به این بود که نرخ بیکاری با ارتقای سطح آموزش کاهش می‌یابد، به طوری که نرخ آن در بین دانش‌آموختگان آموزش عالی به صفر می‌رسد. این نظر امروزه با افزایش تعداد بیکاران آموزش دیده در سطح عالی، متزلزل شده است (ملک‌پور، محمدی، ۱۳۹۲). در ایران،

¹ Valimaa, J. & Hoffman

² John

افزایش ظرفیت‌های آموزش عالی از طریق ایجاد دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، باعث افزایش قابل ملاحظه دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها شده است (بختیاری، ۱۳۸۵). اما عدم توانایی ساختارهای کشور در تامین فرصت‌های شغلی، موجب بروز بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی شده است (پارديا، ملكی، ۱۳۸۵). شغل در جوامع سهم اصلی را در هویت اجتماعی فرد دارد و در فرایند اجتماعی شدن، کسب مهارت‌های شغلی از عناصر عمده آن است. اشتغال وسیله ای است که فرد از مجرای آن به صحنه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی کشانده می‌شود و نه تنها استمرار و انسجام جامعه‌اش را سبب می‌شود، بلکه از این رهگذر می‌تواند نیازهای مادی و معنوی خویش را نیز تأمین کند (چاپمن^۱، ۲۰۰۹). مسئله بیکاری در دهه اخیر به صورت یکی از مسائل حاد کشورهای توسعه نیافته درآمده است. در این کشورها مشکل بیکاری یک مسئله دوره‌ای ناشی از کاهش موقت رشد و تولید نیست، بلکه به صورت مسئله‌ای مزمن در آمده است؛ به علاوه، تفاوت بین بیکاری در کشورهای توسعه نیافته و توسعه یافته این است که در کشورهای توسعه نیافته بیکاری مختص جوانان و افراد تحصیل کرده است، در حالی که بیکاری در کشورهای توسعه یافته افراد مسن و بی‌مهارت را در بر می‌گیرد (الپاک^۲، ۲۰۰۸؛ به نقل از بیگدلی، کرامتی، بازرگان، ۱۳۹۱).

توسعه کمی و نامتوازن آموزش عالی در کشور از یک سو و نبود ظرفیت‌های مناسب برای جذب دانش‌آموختگان دانشگاهی از سوی دیگر، باعث شده تا فرصت‌های تشکیل سرمایه انسانی، ارتقای بهره‌وری و افزایش رشد اقتصادی به تهدیدهای بحران‌زا و چالش برانگیز در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ناشی از بیکاری دانش‌آموختگان تبدیل شوند. افزون بر این، دانش‌آموختگان دانشگاهی برای ورود به بازار کار، باید توانایی‌های سازگاری و هماهنگی با شرایط در حال تغییر جامعه خود را داشته باشند. پیشرفت فناوری‌ها، هر روز زمینه‌ی فرصت‌های شغلی را تغییر داده و شغل‌های جدیدی را ایجاد می‌کنند. این امر نیاز به دانش‌آموختگان کارآفرین و خوداشتغال را روز به روز افزایش می‌دهد (حسین‌پور، رضایی، ۱۳۸۹؛ به نقل از زلالی، خسروی‌پور، زارع، ۱۳۹۴). با توجه به تغییرات سریع بازار کار در سالهای اخیر تقاضای ارائه برنامه‌های آموزشی مرتبط با زندگی واقعی فراگیران و همسو با

¹ Chapman

² Elpuk

نیازهای بازار کار از جانب کارفرمایان، سیاستگذاران، و دیگر کارشناسان از نظام‌های آموزشی افزایش یافته است. همچنین با توجه به افزایش تعداد دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و به تبع آن افزایش تعداد پذیرفته شدگان ورود به دانشگاه‌ها زمینه سازی برای اشتغال دانش-آموختگان و کاهش بیکاری یکی از مأموریت‌های اصلی دولت‌ها بوده است (چان، لین^۱، ۲۰۱۵). عدم توجه به این امر منجر به تربیت دانش آموختگانی خواهد شد که بین دانش و مهارت‌های آنان با نیازها و الزامات مشاغل تناسب وجود نخواهد داشت (هنمان، لیفنر^۲، ۲۰۱۰). مبانی نظری و مطالعات تجربی انجام شده حاکی از آن است که در کشور ما آنطور که باید و شاید تعاملات روشن و صحیحی بین این نهادها وجود ندارد. صاحبان صنایع علاقه‌ای به برقراری ارتباط با دانشگاه‌ها و بهره‌مندی از دانش و علم آنها را از خود نشان نمی‌دهد و بعضاً حالتی از بدبینی نسبت به دانشجویان و فارغ‌التحصیلان در بین آنها به چشم می‌خورد که افق برقراری ارتباط را تیره و تاریک می‌سازد (فیوضات و تسلیمی تهرانی، ۱۳۸۶: ۲۶۹). از طرف دیگر دانشگاهیان و دانشجویان نیز تصویر روشنی از صاحبان صنایع و کار صنعتی در ذهن خود ندارند (فیوضات و تسلیمی تهرانی، ۱۳۸۶: ۲۶۹). و حمایت دولت نیز در این حوزه چندان مشخص نیست و اکثر پژوهش‌ها انجام شده مسئله محور، نیازمحور و یا به عبارتی مأموریت‌گرا نبوده و در راستای تامین نیازهای جامعه و حل مسائل و مشکلات نیستند. این مسائل روی هم رفته ایجاد چنین ارتباطی را دشوار می‌سازد. دستاورد حیدری و همکاران (۱۳۹۵) مبتنی بر این بود که مهاجرت نیروی کار، اعم از ماهر و غیرماهر، موجب کاهش رشد اقتصادی، سرمایه-گذاری و نرخ بازگشت سرمایه در سطح کلان می‌شود. این امر همچنین تولید بخش‌های مختلف اقتصادی را کاهش می‌دهد. از سویی، افزایش مهاجرت نیروی کار ماهر سطح دستمزدهای نیروی کار را در کل افزایش می‌دهد و در مقابل، قیمت سرمایه را که شامل سرمایه فیزیکی، منابع طبیعی و زمین است کاهش می‌دهد. افشاری، حسینی (۱۳۹۴) در پژوهشی به شناسایی و تحلیل موانع اشتغال در رشته علوم تربیتی از دیدگاه دانشجویان ارشد پرداختند و نشان دادند فقدان یا کمبود حمایت دولتی از مشاغل علوم تربیتی، مهمترین مانع برای اشتغال فارغ‌التحصیلان در بخش علوم تربیتی است.

¹ Chan, Lin

² Hennemann, Liefner

دقیقی اصل و همکاران (۱۳۹۲) نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که میزان هزینه‌های تحقیق و توسعه در بخش آموزش عالی اثر مثبت و معنی‌داری بر روی رشد اقتصادی می‌گذارد. همچنین در مدل برآوردی میزان رشد نیروی کار شاغل و میزان موجودی سرمایه فیزیکی نیز اثر مثبت بر روی رشد اقتصادی دارد. میزان هزینه‌های تحقیق و توسعه در بخش آموزش عالی بیشترین تاثیر را نسبت به رشد نیروی کار شاغل و میزان موجودی سرمایه فیزیکی بر رشد تولید ناخالص داخلی دارد. در مطالعات نوروزی‌فیروز و همکاران (۱۳۹۲) تحت عنوان «بررسی وضعیت بازار کار دانش‌آموختگان عالی در ایران» انجام شد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که نرخ بیکاری مردان تحصیلکرده در تمام رشته‌ها بیش از دو تا سه برابر نسبت به زنان است همچنین تراکم اشتغال و فارغ‌التحصیلان و دانشجویان در چند رشته خاص عملاً منجر به افزایش نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان این رشته‌ها در وضعیت موجود شده است. در تحقیق احمدی و همکاران (۱۳۹۴) نتایج نشان داد که معدل، محل زندگی، جنسیت، دوره‌های آموزشی پس از دانش‌آموختگی ارتباط معنی‌داری با اشتغال ندارد. متغیرهای رشته تحصیلی، مقطع تحصیلی بر اشتغال دانشجویان تاثیر معنی‌داری دارد.

در پژوهش بیگدلی و همکاران (۱۳۹۱) تحت عنوان «بررسی رابطه بین رشته تحصیلی با وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران» انجام شد. نتایج نشان داد که بین رشته تحصیلی، اشتغال و تناسب شغلی ارتباط معناداری دارد. فیض-پور، پوش‌دوزباشی؛ دهقانپور (۱۳۸۸) به این نتیجه دست یافتند که نسبت دستیابی به شغل در بیکاران فارغ‌التحصیلان در گروه علوم انسانی تفاوت معنی‌داری با این نسبت در فارغ-التحصیلان سایر گروه‌ها نشان نمی‌دهد. این در حالی است که تفاوت‌های معنی‌داری را می‌توان در نسبت مذکور برای دانش‌آموختگان رشته‌های مختلف علوم انسانی مشاهده کرد.

ژئو و همکاران (۲۰۱۷) به این دستاورد رسیده‌اند که آموزش عالی تاثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی کشور چین می‌گذارد. در حالی که کیفیت آموزش عالی تاثیر ناچیزی را بر روی رشد اقتصادی نشان داد. به علاوه نقش نوآوری و تکنولوژی بر رشد اقتصادی اثر مثبتی می‌گذارد. احمد، خالک^۱ (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان علل بیکاری در میان جوانان تحصیلکرده

¹ Ahmad, Khalk

در پاکستان نشان دادند، بیکاری زنان نسبت به مردان بیشتر است و این امر به دلیل تقسیم بندی در بازار کار بر اساس چشم انداز جنسیتی می باشد. نتایج تحقیقات انجام گرفته (ایبرو، ملک^۱، ۲۰۱۲؛ ستی، پرادهند^۲، ۲۰۱۲) در زمینه ی نقش ویژگی های خانوار در الگوی مصرف خانوار نشان می دهد که نقش عوامل جمعیتی (ساختار سنی، ترتیبات زندگی خانوار، ترکیب خانوار)، اجتماعی و اقتصادی (سطح تحصیلات، وضعیت اشتغال، درآمد خانوار) در الگوی مصرف تاکید داشته اند.

روش شناسی

پژوهش حاضر پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش شامل دانش آموختگان رشته علوم تربیتی دانشگاه دولتی مازندران (بابلسر)، دانشگاه پیام نور بابل و دانشگاه آزاد اسلامی بابل^۳ بین سال های ۹۶-۱۳۹۵ است. به منظور تعیین حجم نمونه از روش نمونه گیری در دسترس، استفاده شده است که بر این اساس اطلاعات مربوط به دانش آموختگان از دانشگاه های مذکور اخذ شده است. محققان موفق شدند با تعداد ۱۶۵ نفر از افراد ارتباط تلفنی داشته باشند و خواستار مشارکت در پژوهش را داشته باشند. اطلاعات مورد نیاز متغیر وابسته (وضعیت اشتغال) بر حسب انجام کار براساس حکم رسمی و دریافت حقوق منظم (بلی=۱، خیر=۰) مورد نظر بود و نیز متغیرهای مستقل (انجام فعالیت های پژوهشی، مقطع تحصیلی، محل تولید، معدل، نوع دانشگاه، جنسیت و...) با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته جمع آوری گردید.

روش گردآوری داده ها شامل مطالعات کتابخانه ای و پژوهش های میدانی بود. در این پژوهش، اطلاعات ثانویه (اطلاعاتی که از قبل تولید شده و در منابع موجود قابل دسترسی است) از طریق روش کتابخانه ای شامل مطالعه کتب، اسناد و مدارک، مجلات تخصصی و همچنین مطالب مورد نیاز از اینترنت (پایگاه های اطلاعاتی) جمع آوری شده و از این اطلاعات برای تدوین مبانی نظری و پیشینه پژوهش، استفاده شده است. علاوه بر اطلاعات گردآوری شده از طریق مطالعه در مورد اشتغال و بیکاری، در این قسمت به منظور جمع آوری داده های اصلی برای پاسخ به سؤالات پژوهش، از روش میدانی و ابزار پرسشنامه استفاده شده است.

¹ Ebru, Melek

² Sethi, Pradhan.

³ در این پژوهش دانشگاه آزاد و پیام نور به خاطر اخذ شهریه به عنوان دانشگاه غیر دولتی در نظر گرفته شد.

در قسمت مقدمه پرسش‌نامه، موضوع و هدف کلی پژوهش «وضعیت اشتغال و بیکاری دانش‌آموختگان علوم تربیتی» ارائه شده است. متغیرهای اصلی پژوهش؛ یعنی اشتغال و بیکاری برای پاسخ‌دهنده تشریح شده و پژوهشگر، پاسخ‌دهندگان را نسبت به اهمیت و ضرورت پژوهش آگاه کرده تا با دقت بیشتری به سؤالات پاسخ دهند.

شیوه اجرا و جمع‌آوری اطلاعات به این‌گونه بود که با توجه به ماهیت توصیفی آن در چند مرحله انجام شد: مرحله اول: آماده‌سازی و متناسب‌سازی پرسشنامه‌های مربوطه مرحله دوم: رجوع به اداره کل آموزش دانشگاه مازندران، پیام‌نور و دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل برای گرفتن مجوزهای لازم مرحله سوم: پژوهشگران با حضور در دانشگاه‌های انتخاب شده، ضمن طرح موضوع پژوهش، با تأکید بر اینکه پرسش‌نامه‌های پژوهش، بدون نام هستند و نتایج پژوهش به‌منظور بهبود امر آموزش عالی می‌باشد، از فارغ‌التحصیلان تقاضا می‌کند تا در صورت تمایل به پرسشنامه‌های پژوهش پاسخ دهند. مرحله چهارم: در این مرحله داده‌های آماری در بین نمونه‌های آماری جمع‌آوری شده و در نهایت تجزیه و تحلیل داده‌های دریافت شده از پرسشنامه‌ها صورت گرفت.

یافته‌ها

- آیا بین وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان و جنسیت آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد؟

جدول شماره ۱: تفاوت دانش‌آموختگان زن و مرد در وضعیت اشتغال

=۴/۵Chi-Square test ۱df= ۰/۰۲Sig=	کل	زن	مرد	وضعیت اشتغال
	۷۰	۲۴	۴۶	شاغل
	۹۵	۵۵	۴۰	بیکار
	۱۶۵	۷۹	۸۶	کل

جهت بررسی تفاوت جنسیت (مرد و زن) و وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان، از آزمون کای اسکوئر استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۱ مشاهده می‌شود. براساس نتایج حاصل جدول، بین مقادیر مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت وجود دارد و براساس آن وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان زن و مرد به لحاظ اشتغال، وضعیت متفاوتی دارد.

- آیا بین وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان و مقطع تحصیلی آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد؟

جدول شماره ۲: تفاوت دانش‌آموختگان کارشناسی و ارشد در وضعیت اشتغال

Chi-Square test =۹/۴۵ ۱df= ۰/۰۰۱Sig=	کل	کارشناسی ارشد و بالاتر	کارشناسی	وضعیت اشتغال
	۱۰۸	۶۶	۴۲	شاغل
	۵۷	۲۵	۳۲	بیکار
	۱۶۵	۹۱	۷۴	کل

بررسی مقطع تحصیلی فارغ‌التحصیلان و وضع اشتغال با استفاده از آزمون کای اسکوئر که نتایج آن در جدول فوق مورد بررسی قرار گرفته است، بیانگر این است که تفاوت دو گروه معنادار است و مقدار مشاهده شده اشتغال دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد و بالاتر بیش از مقدار مورد انتظار است.

- آیا بین وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان و محل سکونت آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد؟

جدول شماره ۳: تفاوت دانش‌آموختگان شهری و روستای در وضعیت اشتغال

Chi-Square =۱۲/۹test ۱df= ۰/۰۰۰Sig=	کل	روستای	شهری	وضعیت اشتغال
	۱۰۱	۳۷	۶۴	شاغل
	۶۴	۴۹	۱۵	بیکار
	۱۶۵	۸۶	۷۹	کل

جهت بررسی تفاوت بین وضعیت اشتغال بین دانش‌آموختگان با محل سکونت‌شان از آزمون کای اسکوئر استفاده شده است، و نتایج آن در جدول فوق قابل مشاهده است. براساس نتایج بدست آمده وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان شهری و روستایی متفاوت می‌باشد.

آیا بین سوابق پژوهشی دانش‌آموختگان شاغل و غیرشاغل تفاوت وجود دارد؟

جدول شماره ۴: تفاوت وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان و سوابق پژوهشی

متغیر	گروه	تعداد	میانگین (انحراف معیار)	تی	سطح معنی- داری
وضعیت اشتغال	بیکار	۳۰	۱۱۶/۵ (۲۷/۹)	۶/۰۷	۰/۰۰۳
	شاغل	۳۰	۱۱۶/۰۶ (۵/۲)		

جهت بررسی تفاوت بین وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان با سوابق پژوهشی از آزمون تی مستقل استفاده شده است و برای بررسی نرمال بودن از آزمون کولموگروف-اسمیرنف استفاده شد ($\text{sig}=۰/۴۵۳$)، نتایج آزمون تی در جدول فوق مورد مشاهده است. میانگین بیکار برابر $(۱۱۶/۵ \pm ۲۷/۹)$ و شاغل برابر $(۱۱۶/۰۶ \pm ۵/۲)$ بدست آمده است. مقدار $t_r = -۶/۰۷$ محاسبه شده با توجه به $p < ۰/۰۵$ در سطح اطمینان ۹۵٪ می‌توان نتیجه گرفت بین وضعیت اشتغال شاغل و بیکار تفاوت وجود دارد.

- آیا بین وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان و نوع دانشگاه محل تحصیل آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد؟

جدول شماره ۵: تفاوت دانش‌آموختگان با مدرک تحصیلی متفاوت در وضعیت اشتغال

متغیر	گروه	تعداد	میانگین (انحراف معیار)	تی	سطح معنی- داری
وضعیت اشتغال	دولتی	۳۰	۱۱۶/۵ (۲۷/۹)	۶/۰۷	۰/۰۰۳
	غیردولتی	۳۰	۱۱۶/۰۶ (۵/۲)		

جهت بررسی تفاوت بین وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان از دانشگاه‌های مختلف از آزمون تی مستقل استفاده شده است. برای بررسی نرمال بودن از آزمون کولموگروف-اسمیرنف استفاده شد ($\text{sig}=۰/۴۵۳$)، نتایج آزمون تی در جدول فوق مورد مشاهده است. میانگین دانشگاه دولتی برابر $(۱۱۶/۵ \pm ۲۷/۹)$ و دانشگاه غیر دولتی برابر $(۱۱۶/۰۶ \pm ۵/۲)$ بدست آمده است.

مقدار $t_r = -۶/۰۷$ محاسبه شده با توجه به $p < ۰/۰۵$ در سطح اطمینان ۹۵٪ می‌توان نتیجه گرفت بین دانشگاه دولتی و غیردولتی از نظر میزان اشتغال دانش‌آموختگان تفاوت وجود دارد. - آیا بین وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان و استعداد درخشان بودن و نبودن رابطه معنی‌داری وجود دارد؟

جدول ۶. تفاوت دانش‌آموختگان دارای استعداد درخشان و عادی در وضعیت اشتغال

Chi-Square test =۲/۰۳ ۱df= ۰/۲۴۴Sig=	کل	فاقد استعداد درخشان	دارای استعداد درخشان	وضعیت اشتغال
	۶۷	۳۲	۳۵	شاغل
	۹۸	۵۰	۴۸	بیکار
	۱۶۵	۸۲	۸۳	کل

جهت بررسی تفاوت بین فارغ‌التحصیلان دارای استعداد درخشان و فاقد استعداد درخشان با وضعیت اشتغال از آزمون کای اسکور استفاده شده است، که نتایج آن در جدول فوق قابل مشاهده است. بر این اساس بین مقادیر مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

- آیا بین معدل دانش‌آموختگان شاغل و غیرشاغل تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

جدول شماره ۷: تفاوت وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان با معدل

متغیر	گروه	تعداد	میانگین (انحراف معیار)	تی	سطح معنی- داری
وضعیت اشتغال	معدل بالا	۳۰	(۱۵/۷)۲۱۴/۲	۴/۴۱	۰/۰۰۴
	معدل پایین	۳۰	(۱۴/۵)۱۴/۷۵		

جهت بررسی تفاوت بین وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان با معدل از آزمون تی مستقل استفاده شده است و برای بررسی نرمال بودن از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد (sig=۰/۵۴۱)، نتایج آزمون تی در جدول فوق مورد مشاهده است. میانگین معدل بالا برابر (۲۱۴/۲ ۱۵±/۷) و معدل پایین برابر (۱۴/۷۵ ± ۱۴/۵) بدست آمده است. مقدار $t_r = ۴/۴۱$

محاسبه شده با توجه به $p < 0/05$ در سطح اطمینان ۹۵٪ می‌توان نتیجه گرفت بین وضعیت اشتغال شاغل و معدل تفاوت وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

رشد سریع تحولات صنعتی و تکنولوژیکی در سالهای اخیر سبب شده است تا نهادهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در فضایی کاملا تازه به بازنگری اهداف، سیاستها و راهبردهای اجرایی خود با محوریت دانایی بپردازند اطلاع روزآمد برنامه‌ریزان آموزشی از کم و کیف تحولات سایر نهادهای اجتماعی و اقتصادی در تناسب هرچه بیشتر این آماده‌سازی و فراهم کردن تمهیدات لازم برای انطباق مناسبتر این نظام با تحولات، بسیار تاثیرگذار است. موضوع اشتغال و دستیابی افراد به شغل موردنظر از اساسی‌ترین نیازهای یک جامعه محسوب می‌شود. یکی از اهداف کلان توسعه در کشورهای مختلف، کاهش بیکاری و توسعه فعالیت‌های شغلی است. بیکاری یک پدیده مخرب اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که رفع آن همواره از دغدغه‌های اساسی برنامه‌ریزان بوده است. امروزه، بیکاری در بسیاری از کشورها به عنوان یک مشکل اساسی مطرح است به طوری که می‌توان گفت؛ ثبات یا زوال برخی دولت‌ها در گرو حل بحران بیکاری است. از این رو مطالعه حاضر به تحلیل کمی اشتغال و بیکاری دانش-آموختگان علوم تربیتی پرداخته شد. نتایج تحقیق نشان داد که بین وضعیت اشتغال دانش-آموختگان و جنسیت آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد. این نتایج با یافته‌های پژوهش سعیدی‌رضوانی و همکاران (۱۳۸۹) و نامجویان شیرازی (۱۳۸۴) همخوان است. شاید با توجه به وضع اقتصادی کنونی و نیاز افراد به استقلال مالی جهت رفاه بیشتر، فرهنگ کار منزل مخصوص زن و کار بیرون منزل مخصوص مردان باشد.

براساس یافته‌های تحقیق بین وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان کارشناسی و کارشناسی ارشد رابطه معنی‌داری وجود دارد. یافته این تحقیق، با پژوهش احمدی (۱۳۹۳)، محمودیان، رشوند (۱۳۸۹) همخوان است. این امر شاید ناشی از این باشد که کارفرمایان، تمایل به استخدام نیروی کار متخصص باشد و به علاوه، خود فارغ‌التحصیلان با مدرک بالاتر با شرایط حقوقی بیشتر راضی به کار باشند و ترجیح دهند که زمان بیشتری برای یافتن شغل مناسب‌تر با توجه به مدرک تحصیلی خودشان باشند. براساس یافته‌های تحقیق بین وضعیت اشتغال دانش-

آموختگان با محل سکونت آنها رابطه وجود دارد. این نتیجه با یافته نامجویان شیرازی (۱۳۸۴) همسو است. می‌توان نتیجه تحقیق را اینگونه تبیین کرد که امکانات رفاهی و اجتماعی بین خانواده‌های دانشجویان شهری و روستای با همدیگر متفاوت است و این امر باعث به وجود آمدن نقش اشتغال آنها بعد از فارغ‌التحصیلی می‌گردد. براساس نتایج تحقیق، بین معدل و وضعیت اشتغال تفاوت وجود دارد. یافته‌های این تحقیق با نتایج پژوهش احمدی (۱۳۹۳) همسو نیست. دلیل این ناهم‌سوی می‌تواند این باشد که پژوهش احمدی (۱۳۹۳) رشته جامعه‌شناسی را بررسی کرده ولی در این پژوهش رشته علوم تربیتی مورد مطالعه قرار گرفته است. براساس نتایج تحقیق، بین سوابق پژوهشی و وضعیت اشتغال تفاوت معنی داری وجود دارد. یافته‌های این پژوهش با تحقیق احمدی (۱۳۹۳) همسو است. در تبیین این تحقیق می‌توان گفت که انجام دادن فعالیت‌های تحقیقی مستلزم روحیه پژوهشی می‌باشد. کسانی که دارای چنین روحیه قوی هستند، در جامعه برای یافتن شغل مناسب موفق‌تر هستند. براساس نتایج تحقیق، بین دانشگاه دولتی و غیردولتی از نظر میزان اشتغال دانش‌آموختگان رابطه وجود دارد. با پژوهش احمدی (۱۳۹۳) همخوان است. این امر شاید به این دلیل باشد که کارفرمایان به نحوه ورود به دانشگاه دانش‌آموختگان اهمیت می‌دهند. براساس یافته‌های حاصل از مدل رگرسیون لجستیک، در نهایت، متغیرهای جنسیت و نوع دانشگاه قادرند به طور معنی‌داری نسبت شانس اشتغال را پیش‌بینی کنند. بررسی موضوعات، مسائل و چالش‌های نظام آموزش عالی و ارتباط آن با برنامه‌های توسعه، بازار کار و سیاست‌های اشتغال - زایی دانش‌آموختگان آموزش عالی به ویژه از بعد مهارت و توانایی دانش‌آموختگان به منظور انتخاب الگوها و سیاست‌های کارآمد و همچنین منطبق با اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر منطقه کار ساده‌ای نیست. بنابراین پیشنهاد می‌شود که: با توجه به اینکه تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بخش‌های مختلف کشور از اهداف اصلی دانشگاه‌ها می‌باشد و مطالعه و تحقیق بر روی دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها که محصول اصلی دانشگاه‌ها می‌باشند عملکرد دانشگاه‌ها و نظام آموزش عالی را در جهت این هدف نمایان می‌سازد لذا ضرورت دارد بانک اطلاعات دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها طراحی و تدوین گردد تا با سهولت بهتری کارایی برونی نظام آموزش عالی مورد مطالعه و بررسی محققین قرار گیرد و در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری نظام آموزش عالی کشور مورد استفاده قرار گیرد.

فراهم کردن بستر مناسب برای تعامل دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی با صنایع و مراکز تحقیقاتی دولتی به منظور انجام پژوهش‌های تحقیقاتی و به تبع آن تشکیل تیم‌های پژوهشی در جهت انتشار تولیدات علمی مشترک بین دانشگاه‌ها و پژوهشگران شاغل در صنعت.

منابع و مآخذ

ابیلی، خدایار؛ بابائی، محمد مهدی (۱۳۹۷). شناخت آموزش عالی قاره آسیا با رویکرد سیستمی: بر اساس مطالعات انجام شده درباره آموزش عالی ژاپن، مالزی و ایران. مجله مطالعات آموزشی مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارتش، سال ششم (۱): ۸۳-۶۲.

احمدی، سیروس؛ مختاری، مریم؛ حسین‌نژاد، قدم (۱۳۹۴). ارزیابی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های علوم انسانی و عوامل موثر بر آن (مورد مطالعه: دانشگاه یاسوج). فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، سال هفتم، (۴): ۱-۲۰.

احمدی، سیروس (۱۳۹۳). بررسی وضعیت اشتغال و دانش‌آموختگان جامعه‌شناسی و عوامل مرتبط با آن. دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه. سال سوم (۱): ۱-۲۳.

بابائی، محمد مهدی؛ میرکمالی، سیدمحمد؛ لطفی، علی (۱۳۹۷). یادگیری زبان انگلیسی با فناوری اطلاعات و شیوه سنتی در دانش‌آموزان رشته تربیت بدنی. مجله مدیریت ارتباطات در رسانه‌های ورزشی، سال ششم (۲۱): ۶۸-۶۳.

بیگدلی، مژگان؛ کرامتی، محمدرضا؛ بازرگان، عباس (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین رشته تحصیلی با وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، (۶۵)، ۱۳۱-۱۱۱.

بختیاری، صادق (۱۳۸۵). تحلیلی از وضعیت اشتغال و بیکاری فارغ‌التحصیلان نظام آموزش عالی. مجموعه مقالات اولین همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

پارديا، رحمان؛ ملکی، بهزاد (۱۳۸۵). جایگاه کشورهای جهان سوم در انتشارات تولیدات علمی جهان (مطالعه موردی: کشور جمهوری اسلامی ایران). کنگره ملی علوم انسانی: وضعیت امروز چشم‌انداز فردا، تهران.

سعیدی‌رضوانی، محمود؛ حسین‌زاده، معصومه، باغگلی، حسین (۱۳۸۹). سرنوشت شغلی فارغ‌التحصیلان دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد. مطالعات تربیتی و روانشناسی، (۱۱).

جعفرنژاد، احمد؛ مهدوی، عبدالمحمد؛ خالقی سرورش، فریبا. (۱۳۸۴). بررسی موانع و ارائه راهکارهای توسعه روابط متقابل صنعت و دانشگاه در ایران. فصلنامه مدیریت دانش. شماره ۷۱. صص: ۶۲-۴۱.

حیدری، حسن؛ داودی، نرمین؛ طالبی، فرزانه (۱۳۹۵). آثار کلان اقتصادی و بخشی مهاجرت نیروی کار متخصص و غیرمتخصص در کشور ایران. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۲ (۴)، ۴۲-۲۵.

زلالی، نعیمه؛ خسروی‌پور، بهمن؛ زارع، عادل (۱۳۹۴). تنگناها و چالش‌های اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی از دیدگاه مدیران اجرایی. فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، (۳۳)، ۷۳-۸۳.

صدیایی، اسکندر؛ بهاری، عیسی؛ زارعی، امید (۱۳۹۰). بررسی وضعیت اشتغال و بیکاری در ایران طی سال‌های ۳۵-۸۹. راهبرد یاس، (۲۵).

فیوضات، ابراهیم؛ تسلیمی‌تهرانی، رضا. (۱۳۸۶). بررسی جامعه‌شناختی رابطه دانشگاه و صنعت در ایران امروز. پژوهشنامه علوم انسانی: شماره ۵۳، بهار ۱۳۸۶. صص: ۲۸۸-۲۶۷.

فیض‌پور، محمدعلی؛ پوش‌دوزباشی، هانیسه؛ دهقانپور، محمدرضا (۱۳۸۸). مقایسه وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان جویای کار رشته‌های علوم انسانی با سایر رشته‌ها در استان یزد. نامه آموزش عالی، سال دوم، (۷).

ملک‌پور، علی؛ محمدی، فواد (۱۳۹۲). بررسی زمینه‌ها و موانع اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی مقطع کارشناسی رشته علوم انسانی و اجتماعی شهرستان بیجار. ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، (۱۵۷).

محمودیان، حسین؛ رشوند، مرجان (۱۳۸۴). وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی شهر تهران با تاکید بر عوامل جمعیتی و اجتماعی موثر بر آن. مجله انجمن جمعیت‌شناسی ایران، (۹).

میرغفوری، حبیب‌الله؛ رضایی، انسیه (۱۳۹۲). تحلیل در پیش‌بینی اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در استان یزد با استفاده از رویکرد پویایی سیستم. مجله علمی-پژوهشی سیاست-گذاری اقتصادی، سال پنجم، (۱۰).

نامجویان شیرازی، زهرا (۱۳۸۴). بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز. پایان‌نامه ارشد در رشته ترویج و آموزش کشاورزی. دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز.

نوروزی‌فیروز، مهرداد؛ اکبری، صادق؛ طیفوری، وحید (۱۳۹۲). بررسی وضعیت بازار کار دانش‌آموختگان عالی در ایران ۱۳۹۰ با تاکید بر استان گیلان. همایش تحلیل یافته‌های سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۰، ۵ و ۶ آذر ماه.

Amm,, ..,,, Kill ee,, .. Q. (2013). uuuuees ff nmmnil yymnnt Amggg the Educated Youth in Pakistan, the international Journal of social sciences 30Th May 2013. Vol. 11 NO.1.

Chapman, B. (2009). The access implication of income contingent charges for higher education. *Economic of Review*, 24(5), 63-66.

Chan, Sheng-Ju., & Lin, Liang- Wen(2015). Massification of Higher Education in Taiwan: Shifting Pressure from Admission to Employment. *Higher Education Policy*. 28, 17-33

John, VW. Human capital, higher education institutions and quality of life, 2011, 41(5): 446- 454.

Ebru C., and Melek A. (2012). A Microeconometric analysis of household consumption expenditure determinants for both rural and urban Areas in Turkey. *American International Journal of Contemporary Research*. 2, 27-34.

Hennemann, s., & Liefner, I. (2010). Employability of German Geography Graduates: The Mismatch between Knowledge Acquired and Competences Required. *Journal of Geography in Higher Education*, 34(2), 215–230.

Valimaa, J. & Hoffman, D. Knowledge society discourse and higher education. *High Edue*, 2008, 56: 265-285.

Sethi.N and Pradhan.H. K. (2012). The Patterns of Consumption Expenditure in Rural households of Western ODISHA of India: An Engel Ratio Analysis, *International Journal of Sustainable Development*.

Zhu, Tian-Tian, Peng, Hua-Rong, Zhang, Yue-Jun (2017). The Influence of Higher Education Development on Economic Growth: Evidence from Central China. *Higher Education Policy*, (2), 1-19.

